

# جنایت‌های سریالی قاتل موتورسوار

رازگشایی از قتل ۴ پسرچه در نهالستان‌های تفت، خاطره‌یکی از کارآگاهان پلیس آگاهی است

رخ داد. آن روز برای تعویض شیشه همراه احسان به گلخانه رفتیم. احسان برای نصب و جانداختن شیشه از دیوار گلخانه بالا رفت که ناگهان تعاملش را زدست داد و به زمین افتاد. با صابت به زمین بی‌هوش شده بود و هر چهار را صد اکردم، جواب نداد. من که خیلی ترسیده بودم، او را خفه کردم و جسد را در نهالستان دفن کردم.

با اعتراف متهم، بلا فاصله راهی تفت شدیم. جسد احسان را به محض رسیدن به تفت در نهالستان پیدا کردیم. جسد داخل چاهی عمیق دفن شده بود. از این‌که راز ناپدید شدن پسر ۱۳ ساله برملاشده بود، حس خوبی داشتیم اما از این‌که او به قتل رسیده بود، واقع‌انداخت بودیم.



## اعتراف به ۳ جنایت دیگر

با کشف جسد، راهی شهر یزد شدیم اما هنوز از شهرستان تفت فاصله نگرفته بودیم که مجید گفت برگردیم، می‌خواهم سه جنایه دیگر را هم نشان بدhem. تا ظهر روز بعد سه جسد فتن شده در نهالستان را کشف کردیم. مجید در تحقیقات به چهار قتل اعتراف کرد و گفت: به غیراز احسان برای این‌که بتوانم بچه‌هارهای قتل‌گاه بکشان؛ دنبال نقطعه ضعف و خطای از آنها بودم. به همین دلیل در خیابان‌ها و کوچه‌های پرسه‌می‌زدم و بچه‌های زیر نظرمی‌گرفتم. بعد از این‌که نقطه ضعفی از آنها بدست آوردم به این‌جهانه که اگر همراه من نیاید ماجرا لومی دهم، آنها با من همراه می‌شوند. از قریانی‌ها می‌خواستم داخل باغ بروند و خودم هم سوار موتورسیکلت بازیم. زنجیر در را طوری می‌بستم که انگار می‌رفتم. بازیم بود که این‌جهانه از باغ خود را در سر داشتم، است بعد هم نقشه‌ای راکه در سر داشتم، اجرامی کردم.

با اعتراف متهم به قتل، راز ناپدید شدن چهار پسر نوجوان تفتی برپا و باهانه‌ای او جسد بچه‌ها پیدا شد. قاتل بعد از محکمه به قصاص محکوم شد و به سزا جنایاتی که مرتکب شده بود، رسید.

کردم و به سمت گلخانه رفتیم اما در مسیر، خودرویی راکه پدر احسان سوار آن بود، دیدیم و احسان از موتورسیکلت من پیاده شد و با پدرش رفت. سراغ پدر احسان رفتیم اما مرد جوان اظهارات مجید را تکذیب کرد و مدعی بود بچه‌اش راندیده است. تنها اظهارات پدر احسان نبود که ما را به مجید مظنون می‌کرد. در ادامه تحقیقات، مدارکی را بدست آوردیم که دست داشتن اوراد ناپدید شدن و احتمالاً قتل پسر ۱۲ ساله پرنگ می‌کرد. یکی از موارد این بود که شبیه شکسته ای تعویض نشده بود و مجید مدعی بود شبیه‌فروشی تعطیل بوده است. در حالی‌که این اظهارها واقعی نبود و شبیه‌فروشی در آن ساعت باز بود. به جستجو در میان نهالستانی که مجید در آنجا کار می‌کرد و محل‌های متوجه شهر پرداختیم اما ردی از بچه‌های ناپدید شده به دست نیاوردیم.

## تحقیقات در تهران

باتوجه به جوی که در منطقه بود و آشنا بی متهم با محل، تصمیم گرفتیم را برای تحقیقات به تهران منتقل کنیم. بالتقابل متهم جوان به تهران تحقیقات ادامه یافت تا این‌که اوراز چهارمین قتل خود را بملک ازدیادیم. او گفت: قصد قتل نداشتم و همه چیز اتفاقی

برادر اصغر بود که اواخر سال ۸۴ ناپدید شده بود. مادر نگران دومین فرزندش بود و از زمانی که اصغر ناپدید شده بود، اجازه نمی‌داد احسان به تنها یابی بیرون و اولین بار بود که او خانه را بدون پدر و مادر ترک کرده بود. زن جوان که نگران و مضطرب بود در تحقیقات به ما گفت: ساعت ۳ و نیم بود که مجید دنبال احسان آمد. می‌گفت شبیه گلخانه شکسته و به کمک نیاز دارد. پون قرار بود با مجید برود اجازه دادم. مجید سال‌ها بود که در تفت کار می‌کرد و اورامی شناختیم. آن روز بچه‌ام سوار موتورسیکلت مجید شد و خانه را ترک کرد اما دیگر او را نمیدیم. احسان می‌خواست برای دوچرخه‌اش زنجیر جدید بخرد و حلاجی هفته است که دوچرخه پسرم کنار حیاط افتاده و از او خبری ندارم.

## بازداشت تنها مظنون

با توجه به حساسیت موضوع همراه تیمی از تهران راهی تفت در استان یزد شدیم تا به بررسی پرونده پردازیم. باتوجه به ناپدید شدن چهار پسر نوجوان، اختلال سریالی بودن جنایت مطرح بود. مجید با همانگی‌های قضایی بازداشت شد و تحقیقات از او صورت گرفت اما مرد جوان منکر اطلاع از سرزنشوشت احسان بود. او گفت: آن روز احسان را سوار موتورسیکلت

زمانی که اولین گزارش ناپدید شدن پسر نوجوانی به پلیس نفت اعلام شد، هرگز تصور نمی‌شد عامل این ناپدیدی قاتل سریالی باشد که بعد از دست به جنایت‌های مشابه بزن. اصغر ۱۱ اسفند ۸۴ برای دیدن مانور در شهر از خانه خارج می‌شود اما هرگز به خانه برنمی‌گردد. خانواده اصغر ابتدا تصویری کنند یکی از طبلکاران شان در ناپدید شدن پسرشان نقش دارد اما تنها مظنون این پرونده بی‌گناه شناخته می‌شود و در تحقیقات میدانی و تحقیق از دوست و آشنا هیچ رد و سرخی از اصغر به دست نمی‌آید.

## دو میلین فقدانی

حدود شش ماه بعد از ناپدید شدن اصغر، پسر دیگری ناپدید می‌شود. میثم، دوست اصغر بود و آخرین بار ۱۴ شهریور ۸۵ دیده شد و بعد از آن از او خبری نشد. میثم به قصد رفتن به خانه مادر بزرگش خانه را ترک می‌کند اما چه اتفاقی برای پسر نوجوان رخ داده بود. مشخص نبود. با ناپدید شدن دو پسر نوجوان، ماجرای حساسات تر شده و تحقیقات برای یافتن آنها دامنه داشت اما هیچ ردی از آنها به دست نیامد.

## ناپدید شدن پسری دیگر

سومین قربانی پسر نوجوانی به نام حسن بود. ساعت ۲ بعدازظهر ۱۶ فروردین ۸۶ حسن با سرویس مدرسه به خانه می‌آید و کیفیش را داخل خانه می‌گذرد و به پنهان انجام کاری منزل را ترک می‌کند. سه پسر ناپدید شده تقریباً هم سن و سال هم بودند و احتمال می‌رفت ناپدید شدن آنها به یکدیگر بربط داشته باشد. فاصله زمانی نیز نشان می‌داد هر شش ماه یک پسر ناپدید می‌شود و این موضوع ماجرا را حساسی تر کرده بود.

## ناپدید شدن برادر دوم

باناپدید شدن چهارمین قربانی، ماجرا حساسی تر شد و در حقیقت گم شدن احسان، سرخی را به دست مادر ۷ مهر ۸۶، احسان ناپدید شد و موضوع موردنظر، این بود که او

ویژه‌نامه‌حوادث روزنامه جام جم  
چهارشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۰  
شماره ۹۲۱

خطابه جنایی

قاتل پس از افشای  
راز آخرین قتاش، در  
مسیر پلیس آگاهی  
قفل سکوت خود را  
شکست و راز جنایت  
های سریالی اش را  
فاش کرد

فوق العاده

در این ستون، حوادث گذشته را دوباره بازخوانی می‌کنیم. حادثی بسیار قدیمی که فقط برخی افراد سن و سال دار آن را به یاد دارند و بازخوانی آن با همان ادبیات و نثر و نگارش قدیمی، برای ما و نسل قدیم بسیار جذاب و یادآور خاطرات آن زمان خواهد بود. در این شماره، جالب‌ترین حادثه ادی ۱۳۴۰ روزنامه کیهان را بررسی می‌کنیم.

## اشتباه مرگبار

همین ضربه به قتل رسید. همان لحظه ماموران سررسیدند و سعید را دستگیر کردند. سعید در جلسه دادگاه همه چیز را انکار کرد اما اقضات دادگاه بعد از خواندن گزارش مامورین و شهادت شاهدان، او را به حبس ابد محکوم کردند. این در حالی بود که اولیای دم تقاضای اعدام کرده بودند اما اقضات به خاطر این‌که این مرد به شکل غیرعمد سنگ را بر سر این مرد کوییده بود او را مستحق یک درجه تخفیف دانستند و او را به حبس ابد محکوم کردند.

نمی‌دانست به اشتباه وارد باغ فرد دیگری شد. و چند درخت باغ او را از جا کند و هنگامی که قصد بردن آنها را داشت، صاحب واقعی باغ سر سعید و به او اعتراض کرد. سعید که فکر می‌کرد باغ متعلق به دوستش است به آن مرد پرخاش کرد و گفت: پول این چند درخت را به صاحب باغ پرداخت کرده است. بر سر این موضوع، بین آنها نزاعی در گرفت و سنگ از روی زمین بود از باغ شدند. سعید در این شرایط یک و او را به حبس ابد محکوم کردند.

## حبس ابد مجازات مردی که بر سر چند درخت آدم کشت

عقربه‌ها ساعت ۹ صبح را نشان می‌داد که یکی از رستنایان حومه زجان متهم به قتل یکی دیگر از رستنایان برای انجام محکمه به همراه دو مامور زدن از شعبه دوم دادگاه جنایی تهران آمد. اندکی پس از حضور متهم، قصاصات دادگاه پشت میز دادرسی قرار گرفتند. ماجرا این قرار بود که خرداد امسال این مرد ۴۵ ساله برای خرید چند درخت به ملاقات یکی از دوستان رفت و پس از پرداخت بهای درختان برای تحويل گرفتند آنها عازم باغ شد و چون نشانی باغ را به درستی

دیماه  
۱۳۴۰